

بررسی پیامدهای جرایم یقه‌سفیدان بر امنیت ملی

جواد منظمی تبار^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۶

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناچا / سال چهارم / شماره یازدهم - بهار ۱۳۹۸*۱۴۱-۱۶۷

چکیده

زمینه و هدف جرایم یقه‌سفیدها علاوه بر زیان‌های اقتصادی، پیامدهای دیگری از جمله تضعیف اعتماد اجتماعی و فرسایش امنیت ملی همراه دارد که به مراتب زیان‌بارترند. در بسیاری از جوامع فساد سیاسی و اقتصادی ناشی از جرایم یقه‌سفیدها مانعی بزرگ برای توسعه پایدار محسوب می‌شود. بنابراین در این مقاله به دنبال بررسی آثار مفسد و جرایم یقه‌سفیدها بر امنیت اقتصادی و از آن طریق بر حوزه امنیت ملی هستیم. روش این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. ابتدا همه کتاب‌ها، مقالات و آثار اندیشمندانی که درباره جرایم یقه‌سفیدها اظهار نظر کرده‌اند، مورد مطالعه قرار گرفت. آثار مذکور، علاوه بر موضوع جرم، در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی هم حاوی بحث‌های مهمی بودند؛ اما ما براساس اهداف و پرسش‌های اصلی پژوهش، متونی را استخراج کردیم که به لحاظ معانی و مضامین، مربوط به پیامدهای امنیتی جرایم یقه‌سفیدها بودند. سپس متون استخراج‌شده را با یکدیگر مقایسه کردیم تا ارتباط منطقی میان آنها را لحاظ کنیم. در نهایت متونی را انتخاب و تحلیل کردیم که حاوی مضامین مربوط به سؤال‌های تحقیق بودند.

نتایج مجموع مطالعات نظری صورت‌گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که فساد اقتصادی ناشی از بزهکاری یقه‌سفیدان به صورت مستقیم امنیت ملی کشور را متأثر می‌سازد. همچنین مفسد و جرایم یقه‌سفیدها پس از آنکه به شکل تبعیض و بی‌عدالتی فراگیر بروز یافت، به از بین رفتن مشروعیت حکومت که یکی از شاخص‌های مهم و کلیدی امنیت ملی است، می‌انجامد و در نتیجه، امنیت ملی تضعیف می‌شود.

واژگان کلیدی

یقه‌سفیدها، امنیت ملی، فساد، جرایم اقتصادی، مشروعیت

مقدمه

اصطلاح «جرایم یقه‌سفیدها» را نخستین بار جرم‌شناس آمریکایی، ادوین ساترلند، مطرح کرد که به سرعت به یکی از اصطلاحات پرکاربرد در ادبیات سیاسی و اقتصادی تبدیل شد (هوارد، ۲۰۱۸: ۲۳). مهم‌ترین علل فساد و جرایم یقه‌سفیدها به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود و ناشی از محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی و ذخایر منابع طبیعی مانند نفت است. مفسد و جرایم یقه‌سفیدان گرچه در حوزه خاکستری جامعه قرار دارد، در مطالعات سیاسی و امنیتی به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته است (بریتویت، ۲۰۱۸: ۷۹). این موضوع به خصوص در کشورهایی که اقتصاد رانتی دارند، ابعاد و مظاهر آشکارتری دارد. بررسی‌های شاپیرو و دیگران نشان می‌دهد (شاپیرو، شاور، ۲۰۱۸؛ بریتویت، ۲۰۱۷؛ کالن، ۲۰۱۸) مفسد و جرایم یقه‌سفیدان که از یک سو ناشی از تهدیدهای عوامل و عناصر خارجی و از سوی دیگر ناشی از ناکارآمدی مدیریت اقتصاد داخلی است، اغلب به بروز فقر، محرومیت، عقب‌ماندگی و نارضایتی عمومی منجر می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی، فساد سیاسی و مالی را به عنوان یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند. هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده شود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد (لطفیان، ۱۳۹۶: ۶۳). فساد سیاسی و اقتصادی ناشی از جرایم یقه‌سفیدها از بزرگ‌ترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه است. در بیست سال گذشته، سیاست‌های اقتصادی گسترده‌ای نظیر تشویق تجارت بین‌المللی، خصوصی‌سازی کارخانه‌ها، صنایع و شرکت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمومی مانند آموزش و پرورش توسط بسیاری از کشورهای در حال توسعه اتخاذ شدند، اما بر خلاف انتظار، رشد سریعی حاصل نشد و درآمدهای ملی آنها کاهش چشم‌گیری نشان داد. علت اصلی این مسئله، یعنی شکست برنامه‌های اصلاحات از جمله خصوصی‌سازی، فساد گسترده یقه‌سفیدها در این کشورها بود (شراگر، شیل، شورت، ۲۰۱۶: ۳۹).

مصادیق فساد یقه‌سفیدها فعالیت‌ها و اقداماتی از جمله رشوه، تقلب، پرداخت‌های غیرقانونی، خرید آراء، کمک غیرقانونی به تبلیغات نامزدهای انتخاباتی، سوءاستفاده از قدرت و عهدشکنی، اختلاس و حیف و میل وجوه دولتی را شامل می‌شود. قوانین جزایی بیشتر کشورها مجازات‌هایی برای این موارد در نظر گرفته‌اند. بیشترین تأثیر فساد بر افراد فقیر و ضعیف جامعه است؛ زیرا

برداشت غیرقانونی از وجوه دولتی یا منابع اقتصادی باعث می‌شود که منابع ملی به بخش‌های عمومی مانند بهداشت، آموزش و پرورش، حمل و نقل عمومی، خدمات پلیس و نیروی انتظامی اختصاص پیدا نکند. همچنین، فساد به کاهش سرمایه‌گذاری و حتی فرار سرمایه از کشور منجر می‌شود. این مسئله خود به مشکلات تخریب‌کننده توانمندی توسعه ملی و جهانی مانند رعایت نکردن حقوق بشر، نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی، فعالیت‌های غیرمردمی ناشی از تقلب، دزدی و سوءاستفاده مالی منتهی می‌شود (دوکو و تنامونی، ۲۰۱۸: ۲۸).

هرجا بوروکراسی اداری ناکارآمد، پر هزینه، وقت‌گیر و تحمیل‌کننده هزینه مبادله باشد، عقلانیت اقتصادی، کارگزاران اقتصادی را به سوی روش‌های کم‌هزینه‌تر سوق می‌دهد و آنان را وامی‌دارد روشی را برگزینند که مستلزم صرف هزینه کمتر است. در اینجا فساد اداری به عنوان گزینه بدیل به جای پیمودن مسیر طولانی و طاقت‌فرسای اداری مطرح و به تدریج به قاعده بازی کارگزاران اقتصادی تبدیل می‌شود. این قاعده جدید و غیررسمی گرچه از لحاظ ارزشی مذموم و ناپسند است، اما از نظر اثباتی کارآتر از قاعده بازی مرسوم و قانونی است و مخصوص کشورهایی است که با بوروکراسی ناکارآمد مواجه هستند (سیگل، ۱۳۹۵: ۷۹).

برخی دولت‌ها مجازات‌های سنگینی برای فساد اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند؛ با این حال ممکن است مأموران آنها به دلیل دریافت رشوه یا علل دیگر، اختلاس و کلاهبرداری را نادیده بگیرند، متخلف را تبرئه کنند یا وی را بعد از محکومیت مورد عفو قرار دهند و محیط مساعدی برای فعالیت مفسدان اقتصادی و گسترش رشوه فراهم کنند (شاپیرو، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

بررسی‌ها نشان می‌دهد (رونالد، شوهم و گیورا، ۲۰۱۸؛ ساتن و وایلد، ۲۰۱۷؛ عشاوی، ۱۳۹۳) که جرایم یقه‌سفیدان ابتدا امنیت اقتصادی جوامع را متأثر می‌سازد و سپس حوزه امنیت ملی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ بدین صورت که مفاسد و جرایم مذکور موجب از بین رفتن اعتماد مردم می‌شود و مشروعیت نظام سیاسی را از بین می‌برد. بنابراین برای درک ارتباط بین جرایم یقه‌سفیدها و امنیت ملی، لازم است پس از تبیین فساد ناشی از جرایم آنها، مفهوم امنیت اقتصادی مورد کنکاش و کالبدشکافی قرار گیرد تا بدین وسیله، میزان تأثیر رفتار مجرمانه یقه‌سفیدها در امنیت یا ناامنی ملی ادراک شود.

مبانی نظری

متفکران حوزه علوم اجتماعی و امنیتی در تبیین مفهوم "امنیت ملی" نظریه‌های متنوعی مطرح کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. شماری معتقدند امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر برد (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۰۵). برخی در تعریف این واژه می‌نویسند: امنیت ملی، منافع ملی و صیانت ذات کشور همگی متوجه یک پدیده و معنا هستند و آن حفظ وجود خویش است و منظور از حفظ وجود خود عبارت است از حفظ هویت مادی و معنوی شامل ارزش‌های ملی در برابر تجاوز و تهدید به تجاوز. این ارزش‌ها شامل حفظ ارزش‌های دینی، حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ سیستم‌های سیاسی و اقتصادی و حفظ استقلال است (نوروزی، ۱۳۹۷: ۱۴۴). مانند در این باره می‌نویسد: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت کنند (ماندل، ۱۳۹۵: ۵۱۹). امنیت ملی یعنی اطمینان از عدم تهاجم، اطمینان از عدم شکست در صورت تهاجم و اطمینان از نبود نشدن در صورت شکست از تهاجم (چانس، ۲۰۱۸: ۳۴). ربیعی در تبیین مفهوم امنیت ملی می‌نویسد: امنیت ملی یعنی توانایی یک ملت برای پیگیری موفقیت‌آمیز منافع ملی خود، در هر جای دنیا به همان نحوی که خودش آنها را می‌بیند (ربیعی، ۱۳۹۳: ۱۲). بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تعاریف فوق، میان اقتصاد یک جامعه و ابعاد مختلف امنیت ملی ارتباطی قوی وجود دارد. همچنین کارکرد اقتصاد در حوزه امنیت- اعم از امنیت ملی و فراملی- به نحو چشم‌گیری برجسته و به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل شده است. مباحث اقتصادی به‌رغم ماهیت پولی و مالی آن، در مطالعات سیاسی و امنیتی به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته و در هم تنیدگی آن با مقولات مذکور به حدی است که مفهوم اقتصاد سیاسی به یک اصطلاح رایج و فراگیر بین محققان و نویسندگان تبدیل شده است. برخی تحلیلگران راهبردی معتقدند بعد اقتصادی امنیت ملی چنان تغییراتی کرده که جای بعد نظامی را گرفته و به تدریج به عنوان نقطه مرکزی درآمده است (ماندل، ۱۳۹۵: ۷۳). بنابراین تصور جامعه و جهانی امن بدون توجه به کارکردهای اقتصاد و روابط اقتصادی، بیپوده و تحقق‌ناپذیر می‌نماید. این موضوع برخی را بر آن داشته است تا ادعان کنند بعد اقتصادی مهم‌ترین بعد تهدید امنیت ملی است (عیوضی، ۱۳۹۶: ۴۹).

درباره ارتباط میان مفاهیم اقتصاد و امنیت، مباحث بسیار متنوعی به رشته تحریر در آمده است که نشان از ارتباطی استوار میان این دو مؤلفه دارد. بوزان امنیت اجتماعات بشری را شامل امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌داند و معتقد است این پنج بخش در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر، حوزه امنیت را متأثر می‌کنند (بوزان، ۱۳۸۸: ۳۴). برخی محققان اهمیت بعد اقتصادی امنیت ملی را روزافزون می‌دانند و معتقدند نزاع‌ها، کشمکش‌ها و حتی جنگ‌های کوچک و بزرگ با اهداف اقتصادی آغاز می‌شوند (ربیعی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). عده‌ای دیگر بر این باورند که بخش اعظم مسائل سیاسی هر کشور حول رفاه و رونق اقتصادی می‌چرخد و جست‌وجوی رفاه ملی همراه برداشتهای سنتی از امنیت، یکی از مسائل سیاست عالی یا دیپلماسی در بالاترین سطح آن است (تریف و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷۳). به این صورت، آنان بر تعامل فزاینده این دو مفهوم به ویژه تأثیر مثبت اقتصاد در حوزه امنیت‌سازی تأکید می‌کنند.

به صورت کلی درباره ارتباط میان پدیده فساد و رشد اقتصادی دو دسته نظریه وجود دارد: اول، نظریه‌هایی که معتقدند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف‌ناپذیر، موجب افزایش رشد اقتصادی شود. دوم، نظریه‌هایی که فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر، زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد (شاوور، فاکس و میلز، ۲۰۱۸: ۲۱۶).

این مطلب در مورد برخی کشورها، به علت مدیریت ضعیف و ناکارآمد دولت‌های حاکم و نفوذ فساد در لایه‌های مختلف ساختار و سازمان اداری آنها، جنبه منفی به خود گرفته و امنیت اقتصادی آنان را با تهدیدها و مخاطرات جدی مواجه کرده است. "یقه‌سفیدان" کسانی هستند که به علت نفع شخصی، مجموعه‌ای از جرایم را با استفاده از جایگاه شغلی و نارسایی‌های قانونی مرتکب می‌شوند و بدین ترتیب، امنیت اقتصادی و امنیت ملی کشور را مورد تهدید قرار می‌دهند (شاپیرو، ۲۰۱۶: ۱۱۷). این جرایم به خصوص در مورد کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، ابعاد و مظاهر آشیکارتری دارد؛ زیرا این کشورها از یک سو دارای منابع زیرزمینی خدادادی هستند که بدون هیچ زحمتی آنان را صاحب ثروت‌های فراوان کرده است و از سوی دیگر این منابع به علت مالکیت عمومی، در اختیار دولت و کارکنان دولتی که هیچ رابطه مالکیتی بین آنها و منابع مد نظر وجود ندارد، قرار گرفته است. بنابراین چنین فضایی شرایطی فراهم کرده است که عواید ناشی از فروش منابع مذکور به

دلایل مختلف، یا از سوی افراد سودجو، غافل و ناشایست دولتی یا به واسطه تبانی این قشر با سایر افراد و گروه‌های سیاسی، اجتماعی... مورد تعرض قرار گیرد. این منابع، به‌رغم وجود دستگاه‌های نظارتی تعریف‌شده، از گزند متجاوزین مصون نیستند و گاهی اوقات، دستگاه‌های مذکور نیز آلوده به مفاسد و جرایم مرتبط با این موضوع می‌شوند. در حقیقت، "یقه‌سفیدان" اصطلاحی برای نامیدن کسانی است که با استفاده از راهکارهای مجرمانه و دوپینگ انواع رانت‌ها موفق به ارتقای رتبه شغلی، تحصیلی و... می‌شوند و با گرفتن مجوزهای آنچنانی و با روش‌های نامشروع و غیرقانونی به ثروت‌های گزاف می‌رسند (چارجر و شیل، ۲۰۱۷: ۲۱). به عبارت روشن‌تر افراد سطوح بالایی که دارای ارتباطات خاص با نهاد قدرت هستند، "یقه‌سفید" نامیده می‌شوند (اسلپروتامبز، ۲۰۱۸: ۷۹).

یقه‌سفیدها به طور خاص معطوف قدرت هستند و همین امر شرایط را برای تعریف این دسته از مجرمین پیچیده‌تر می‌کند؛ بنابراین هنوز تعریف آکادمیکی از آنها نشده است. معمولاً تلاش می‌شود برای پنهان کردن روابط این دسته از مجرمین با دستگاه قدرت، جرایم آنان را با عنوان جرایم اقتصادی مطرح کنند (ربیعی، ۱۳۹۵: ۲۵). سی رایت میلز، جامعه‌شناس منتقد آمریکایی، جزو اولین پژوهشگران علوم اجتماعی بود که در سال ۱۹۵۱ با انتشار کتاب «یقه‌سفیدان» به ساختار طبقاتی جدید، ظهور و نقش یقه‌سفیدها پرداخت. در تعریف یقه‌سفیدان آمده است: در بعضی از کشورها کسانی هستند که با سوءاستفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می‌شوند. مهم‌ترین مصادیق جرایم ارتكابی مجرمین یقه‌سفیدها عبارت‌اند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرایم کاری و استخدامی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست‌محیطی، جرایم رایانه‌ای و جرایم گمرکی (عسگری، ۱۳۹۳: ۴۸).

پیشینه

موضوع جرایم یقه‌سفیدها در متون مختلف به شکل‌های متنوعی مورد بررسی قرار گرفته و اغلب از آن با عنوان جرایم اقتصادی یا مالی یاد شده است و آن را مترادف فساد دانسته‌اند. در اینجا به تعدادی از شاخص‌ترین آثار داخلی و خارجی اشاره می‌کنیم. محمد قوچانی (۱۳۹۶) در کتاب خود با عنوان "جرایم یقه‌سفیدها" نتیجه می‌گیرد که تلقی ما از جرم یقه‌سفیدها بر ساخته اجتماع است و این‌گونه تصور می‌شود که جرم یقه‌سفیدها

بیشتر مالی است؛ در حالی که در بسیاری از موارد خشونت در جرایم آنها دیده می‌شود. از طرف دیگر، الگوی جرایم یقه‌سفیدها در مقایسه با الگوی بزه‌دیدگی جرایم سنتی متفاوت است و الگو و نوع بزه‌دیدگی در جرایم یقه‌سفیدها براساس جنسیت، سن و طبقه اجتماعی تفاوت دارد. وی همچنین نتیجه می‌گیرد ابعاد اجتماعی جرایم یقه‌سفیدها بسیار فراتر از ابعاد اقتصادی آنهاست.

محمد خضری (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «تحلیل نهادی فساد اداری» چنین نتیجه‌گیری می‌کند که تفاوت جرم با فساد از آنجا نشئت می‌گیرد که برای جرم، قانون مجازات تعیین شده است، ولی معیار اثبات فساد وجود مجازات قانونی نیست، بلکه انحراف از اخلاق و هنجارهای پذیرفته‌شده اجتماعی، ملاک تعریف فساد است. در ضمن چون مفساد و جرایم اقتصادی به واسطه رفتارهای متقلبانه و تباری کارکنان دولتی به وقوع می‌پیوندد، برخی پژوهشگران آن را در چارچوب فساد اداری ارزیابی کرده‌اند. وی در این باره می‌نویسد: در ساده‌ترین برداشت، فساد اداری به مفهوم فروش مالکیت دولتی یا بهره‌برداری از اموال عمومی توسط بروکرات‌های دولت در راستای انتفاع خود یا اقوام‌شان است. او همچنین می‌نویسد: در نظام اداری هر کشوری مجموعه‌ای از قوانین و ضوابط مدون اداری وجود دارد که چارچوب فعالیت‌های مجاز بروکرات‌ها را تعیین می‌کند؛ بنابراین هرگونه رفتاری که مغایر این قوانین و مقررات باشد و انگیزه ارتکاب آن انتفاع فردی بروکرات‌ها یا دوستان آنها باشد، فساد اداری محسوب خواهد شد. وی نتیجه می‌گیرد که فساد در مجموعه فعل و انفعالات مدیریت بر اموال و دارایی‌های عمومی که در اختیار مدیران و کارکنان دولتی است، ظهور و بروز می‌یابد. علی‌اصغر شفیعی خورشیدی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «فساد اقتصادی و روش‌های پیشگیری از آن» می‌نویسد: فساد مالی و اقتصادی کارمندان دولت عبارت است از همه رفتارها و سوءرفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌شوند. وی فساد مالی را به عنوان یک رابطه خاص بین حکومت و جامعه تعریف و آن را به عنوان یک سازوکار «نشت از بالا» یا «توزیع مجدد رو به پایین» دسته‌بندی کرده است. همچنین نتیجه می‌گیرد از لحاظ همنشینی فساد قدرت با فساد مالی، عملاً این دو مفهوم به هم نزدیک شده و حالتی جدایی‌ناپذیر پدید آورده‌اند.

علیرضا دقیقی سرپرافراز، سمیه سادات ملکیان و فاطمه فهیمی فر (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «رویکردی میان‌رشته‌ای به پیشگیری از وقوع جرم (رهیافت اقتصادی- روان‌شناسی)» نتیجه می‌گیرند که جرایم یقه‌سفیدان عمدتاً متأثر از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است و دارای ابعاد بین‌المللی است. همچنین در زمان حاضر فناوری‌های اطلاعاتی، شکل‌های جدید جرم اقتصادی را در پی داشته و مفهوم و مصداق آن را گسترش داده‌اند. برای مثال کلاهبرداری‌های رایانه‌ای، جرایم مربوط به بورس و جرایم سایبری از این زمره هستند. آنان جرایم یقه‌سفیدان را شامل جرایمی می‌دانند که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی، یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، داد و ستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، رشوه‌ستانی، کمیسیون‌گیری، اعطای تسهیلات غیر قانونی به نفع خود یا دیگران صورت می‌گیرد.

پل هیوود (۱۳۹۱) در کتاب فساد سیاسی در زمینه جرایم یقه‌سفیدان می‌نویسد از نیمه اول قرن بیستم که مجرمان یقه‌سفید توسط ادوین ساترلند مطرح شدند، جرایم علیه اموال یا جرایم با انگیزه مالی دیگر به شکل گذشته، جرم فقرا نبود، بلکه جرم صاحب‌منصبان طبقات متوسط و بالا بود. هیوود می‌گوید جرم یقه‌سفیدها غالباً محصول دنیای جدید ارتباطات و اطلاعات است. در جرایم مالی، سارق یا محکوم از قباحت عمل و سرزنش عمومی رنج می‌برد، اما در جرایم اقتصادی، یقه‌سفیدها به زرنگی و مهارت خود و پیچیدگی کاری که انجام داده‌اند، افتخار می‌کنند. ضمناً دیگران هم ممکن است قبح عمل آنان را به اندازه کافی درک نکنند.

کین پیسی (۲۰۱۶) در کتاب انتخاب عقلانی و جلوگیری از جرم موقعیتی در زمینه عوامل مؤثر بر جرایم یقه‌سفیدان می‌گوید هرچه فعالیت‌های اقتصادی در یک جامعه بیشتر و متنوع‌تر باشد، زمینه‌های کسب سود و در عین حال ارتکاب جرم نیز بیشتر می‌شود. بنابراین دلایل ارتکاب جرم عبارت‌اند از: استفاده ناخواسته قدرت‌های بزرگ از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه (در واقع نیاز قدرت‌های بزرگ به پول توسط محیط اقتصادی بزرگ تأمین می‌شود)؛ به علت ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت، با جرایم آنها با اغماض برخورد می‌شود؛ محیط اقتصادی محیطی شفاف نیست؛ در نتیجه فعالیت آنها تحریک‌برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به دنبال ندارد؛ رسیدگی به این جرایم نیز به اهل فن واگذار می‌شود که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل جرایم می‌گردد.

جرمی نیومن و پیترو مارونگی در کتاب "پیشگیری از وقوع جرم" با یک تبیین کاملاً روان‌شناسانه عقیده دارند مجرمین یقه‌سفید از عقده حقارت رنج می‌برند و همین امر عامل

محرك و انگیزه اصلی آنان برای کسب قدرت به شمار می‌رود. آنان عقده خود را با خرید کالاهای اشرافی مانند استفاده از خودروهای گران‌قیمت نشان می‌دهند؛ با این حال باید توجه کرد که مجرمین یقه‌سفید از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردارند که آن دسته علایم بیرونی قدرت را که حساسیت‌انگیز است، مخفی می‌کنند؛ برای مثال، برای فرار از پرداخت مالیات، اموال خود را به پول نقد تبدیل یا به شخص دیگری در خارج منتقل می‌کنند. ایراد نظریه نیومن و مارونگی این است که مجرمین یقه‌سفید را جدا از محیط و موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می‌کنند قضاوت و تحلیل می‌کند.

کلارک و اک (۲۰۱۸) در مقاله خود با عنوان «تجزیه و تحلیل جرم برای حل مسئله» نشان دادند که جرایم یقه‌سفیدان نتیجه سه عاملی است که جامعه به وجود آورده است:

۱. عوامل روانی و فردی مثل ناپختگی اقتصادی یا گذشته ناموفق و ...
۲. عوامل اجتماعی: قضاوت دیگران، محیط پیرامون که بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت‌اندوزی کند.
۳. عوامل مادی: جنون کسب پول و مادیات چنان است که عقلانیت آنها را متوقف می‌کند؛ در نتیجه دست به ارتکاب جرم می‌زنند؛ چنان که راجر متیز (۲۰۱۸) در تأیید نظر آنها می‌گوید بزهکاران یقه‌سفید وسایل قانونی را به منظور دستیابی به بالاترین نماد موفقیت دور می‌زنند. در واقع، بین اهداف سطح بالای آنان و وسایل قانونی دستیابی به اهداف شکاف زیادی وجود دارد. مانند کسی که می‌خواهد در مسابقات وزنه‌برداری مقام نخست را کسب کند، ولی به دلیل تمرین نکردن به دوپینگ متوسل می‌شود. خلاقیت یقه‌سفیدها به واسطه شکاف بین هدف‌های مادی و وسایل و امکانات قانونی ایجاد می‌شود که فرد را در یک حالت خلأ هنجاری و نبود احساس پای‌بندی قرار می‌دهد. هر قدر این شکاف بیشتر باشد بی‌اعتنایی به هنجارها و دور زدن قانون بیشتر می‌شود.

مرتون بزهکاری را ناشی از وضعیتی می‌داند که جامعه به وجود آورده است. وی معتقد است که جامعه باید از طریق تبلیغات در این اهداف تجدیدنظر و امکان دستیابی را برای همه فراهم کند.

دانیال راندی (۲۰۱۶) در مقاله «هزینه‌های فساد» نتیجه‌گیری می‌کند: جرایمی همچون قاچاق مواد مخدر، پول‌شویی و قاچاق کالا جرایم سازمان‌یافته هستند و با فساد ارتباط نزدیکی دارند. مجرمان اقتصادی برای پیشبرد امور خود نیازمند همکاری کارمندان فاسد در

قسمت‌های مختلف به خصوص گمرک و بانک‌ها هستند. یک بار رشوه، آن هم به میزان پایین نمی‌تواند مصداق جرم اقتصادی باشد، اما فساد اتفاق افتاده است. فساد الزاماً ناشی از فعالیتی اقتصادی نیست، اما جرم اقتصادی است و فراتر از جرم اقتصادی به شمار می‌رود.

عمر ازفر و لی یانگ (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان «علل و پیامدهای فساد در زمینه خسارات جرایم یقه‌سفیدان» می‌گویند: خسارات رو به رشد جرایم یقه‌سفیدان بسیار گسترده است. طبق تخمین، اختلاس و دله‌دزدی کارمندان، حدود هفت میلیارد دلار در سال بر مشاغل مختلف در آمریکا خسارت وارد می‌کند. خسارات ناشی از جرایم یقه‌سفیدان را نمی‌توان تنها در دلار خلاصه کرد.

دوکو و تنامونی (۲۰۱۸) در مقاله خود با عنوان «فساد در آفریقا» می‌نویسند: مجرمان یقه‌سفید، خواه به عنوان کارمند حقوق‌بگیر و خواه به عنوان مأموران عمومی، جایگاه «اعتماد» را اشغال می‌کنند. اغلب آنها مسئولیت‌های تصمیم‌سازی و مدیریت و پرداخت حقوق به دیگران را برعهده دارند. سوءاستفاده آنها از دارایی‌ها و قدرت سبب نقض اعتماد مردم می‌شود و ممکن است موجب تضعیف ایمان عمومی در اقتصاد بازار (اقتصاد بازار آزاد) و عقاید رهبران بازرگانی، دموکراسی، سیاسی، و اخلاق عمومی شود. به‌رغم پرهزینه بودن و گستردگی جرایم یقه‌سفیدان، معمولاً این جرایم به اندازه جرایم خیابانی نگرانی عمومی را برنمی‌انگیزند. علت اصلی این است که تحقیق و تفحص از چگونگی سوءاستفاده از اعتماد مردم، کاری بسیار سخت است؛ زیرا تشخیص تعدی بسیار ظریف است و جرایم رو به رشد هستند.

جرج ولد و جفری استیپس (۱۳۹۶) در کتاب جرم‌شناسی نظری پیرامون جرایم یقه‌سفیدان می‌نویسند: شناسایی مجرمان یقه‌سفید، بسیار پیچیده و جمع‌آوری دلایل قطعی، بسیار دشوار است و در نهایت، به زیان گروه‌های بی‌گناه خواهد بود. گاهی از اوقات جرم کشف نمی‌شود، مجرمان قابل شناسایی نیستند و قربانیان حتی نمی‌دانند که به آنان دستبرد زده‌اند. هنگامی که جرایم یقه‌سفیدان کشف شود، بیشتر ترجیح بر این است که به صورت خصوصی و به وسیله رئیس شخص مجرم یا انجمن کاری به آن پرداخته شود تا اینکه پلیس یا دادگاه در آن مداخله کند. حتی هنگامی که پای مجرمان یقه‌سفید به دادگاه کشیده می‌شود، بیشتر از آنکه مدتی را به زندان بیفتند، با جریمه نقدی و حکم تعلیق مواجه می‌شوند. اگرچه اغلب مجرمان یقه‌سفید، مجرمان دائمی‌اند، ولی آنان به نظر پلیس و قضات و هیئت‌منصفه، بسیار کم‌خطرتر جلوه می‌کنند.

روش

روش پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ بدین گونه که ابتدا همه کتاب‌ها، مقالات و آثار اندیشمندی را که در مورد جرایم یقه‌سفیدها اظهار نظر کرده‌اند، مطالعه کردیم. آثار مذکور، علاوه بر موضوع جرم، در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی هم حاوی بحث‌های مهمی بودند؛ اما با توجه به اهداف و پرسش‌های اصلی پژوهش، متونی را استخراج کردیم که به لحاظ معانی و مضامین، مربوط به پیامدهای امنیتی جرایم یقه‌سفیدها بودند. سپس متون استخراج‌شده را با یکدیگر مقایسه کردیم تا به ارتباط منطقی میان آنها پی ببریم. در نهایت متونی را انتخاب و تحلیل کردیم که حاوی مضامین مربوط به موارد زیر بودند:

۱. مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های امنیت اقتصادی چیست؟
۲. مهم‌ترین مصادیق فساد و جرم اقتصادی یقه‌سفیدها چیست؟
۳. مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری مفاسد و جرایم اقتصادی یقه‌سفیدها چیست؟
۴. کارکرد فساد و جرایم اقتصادی آنان بر امنیت اقتصادی و امنیت ملی چیست؟

بنابراین برای درک ارتباط بین جرایم یقه‌سفیدها و امنیت ملی لازم دیدیم بعد از تبیین فساد ناشی از جرایم آنها، مفهوم امنیت اقتصادی را کنکاش و کالبدشکافی کنیم تا بدین وسیله میزان تأثیر رفتار مجرمانه یقه‌سفیدها در امنیت یا ناامنی ملی را درک کنیم. بنابراین در این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که مفاسد و جرایم یقه‌سفیدها چگونه امنیت اقتصادی و از آن طریق حوزه امنیت ملی را متأثر می‌سازد؟

مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های امنیت اقتصادی

اصولاً در حوزه مطالعات اقتصادی و امنیتی ابتدا وجهی از امنیت اقتصادی متصور است و آنگاه برای آن تهدیدهایی را برمی‌شمارند؛ بنابراین تصور وجود تهدیدهای اقتصادی وجه پسینی مفهوم امنیت اقتصادی است. به طور طبیعی ثبات و نظم اقتصادی موجود در فعالیت‌های پولی و مالی جوامع که از آن به امنیت اقتصادی یاد می‌شود، به دلایل فراوانی مورد تعرض عوامل فساد، از انواع مختلف قرار می‌گیرد که هر یک دارای ویژگی‌های گوناگون هستند (سیمپسون و وایزبور، ۲۰۱۸: ۵۶).

اگر تعریف امنیت اقتصادی را که بدان اشاره کردیم، یک تلقی نسبتاً مناسب بدانیم، هر عاملی که این نظم مفروض را به مخاطره بیندازد یا درصدد بر هم زدن وضعیت مذکور باشد، ممکن است

تهدیدی بالقوه برای امنیت اقتصادی باشد. بوزان، ویور و ویلد تهدیدهای اقتصادی را سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدها در چارچوب امنیت ملی (بوزان، ویور، ویلد، ۱۳۹۶: ۱۴۸) دانسته‌اند و اضافه می‌کنند تهدیدهای اقتصادی تنها ناشی از تدابیر خارجی نیست و ناکارآمدی مسئولان مدیریت امور اقتصاد ملی نیز در آن مؤثر است. در ادامه به منظور کاوش دقیق‌تر تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های امنیت اقتصادی برخی از مهم‌ترین آنها را جداگانه بررسی می‌کنیم.

یکی از نقاط آسیب‌پذیر کلیدی که به فساد و جرم اقتصادی می‌انجامد جابه‌جایی در مصالح فردی و اجتماعی است؛ به نحوی که برخی افراد منافع شخصی خود را بر منافع و مصالح جمعی مقدم بدانند. در همه مکاتب نظری اقتصاد، به مصالح و منافع فرد و جمع توجه شده است که هریک رویکرد متفاوتی به موضوع دارند. خلیلیان در تبیین دیدگاه نظام اقتصادی اسلام در این زمینه می‌نویسد: از نظر اسلام ... در تعارض بین مصالح فرد و جمع، مصالح جمع اولویت دارد (خلیلیان، ۱۳۹۴: ۳۰۸). این معنا زمانی تحقق خواهد یافت که کارکنان دولت و سایر عناصر مرتبط با منابع دولتی، که مسئولیت مدیریت بر اموال و دارایی‌های عمومی را در اختیار می‌گیرند، امانت‌دار باشند و آنها را برخلاف منافع عمومی، به نفع خود تصاحب یا بهره‌برداری نامشروع نکنند. از نقاط آسیب‌پذیر مهم دیگری که منجر به بروز مفاسد و جرایم اقتصادی می‌شود وجود انحصارات در سامانه‌های مختلف ساختار حاکمیت است که اغلب از آن به عنوان رانت یاد می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مفاسد و جرایم اقتصادی که از یک سو ناشی از تهدیدهای عوامل و عناصر خارجی و از سوی دیگر ناشی از ناکارآمدی مدیریت اقتصاد داخلی است، اغلب به بروز فقر، محرومیت و عقب‌ماندگی می‌انجامد. روند فقر و عقب‌ماندگی در صورتی تحقق پیدا خواهد کرد که مجموعه مدیریتی نظام و حاکمیت فاقد قابلیت و توانمندی لازم در ساماندهی امور اقتصادی باشند و توجه جدی به تهدیدها و آسیب‌پذیری ساختارهای دولت و جامعه نداشته باشند و از آثار حتمی چنین وضعیتی غافل شوند (آکرمن، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

مهم‌ترین مصادیق فساد و جرایم اقتصادی یقه‌سفیدها

مصادیق و عناوین جرایم اقتصادی در متون حقوقی بسیار نادر و انگشت‌شمار است؛ زیرا در این معنا جرم اقتصادی تنها شامل مواردی می‌شود که قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین کرده است؛ ولی در عرف اجتماعی عناوین و مصادیق مفاسد و جرایم یقه‌سفیدها شامل موارد متعددی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

ریس و بیدرمن معتقدند هرگاه یک کارگزار، قانون را به نفع شخصی خود و با قربانی کردن منافع حاصل از یک اصل حقوقی نقض کند، فساد رخ داده است (ریس و بیدرمن، ۲۰۱۷: ۱۲۹). برخی از مهم‌ترین مفاسد و جرایم اقتصادی عبارت‌اند از:

۱. دریافت تسهیلات غیر مجاز بانکی؛
 ۲. عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی؛
 ۳. تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و کنترل بر عدم انحراف آنها؛
 ۴. پول‌شویی؛
 ۵. رشا و ارتشا؛
 ۶. اختلاس (به ویژه نزد مدیران ارشد دستگاه دیوان‌سالاری و دیوان‌سالاران)؛
 ۷. دخالت در معاملات دولتی و مناقصه‌ها و مزایده‌ها؛
 ۸. تبانی و تقلب در پرداخت حقوق و عوارض گمرکی؛
 ۹. دریافت پورسانت در معاملات دولتی؛
 ۱۰. فرار مالیاتی؛
 ۱۱. عدم دریافت مالیات و سایر حقوق دولت از مؤدیان مالیاتی؛
 ۱۲. بهره‌برداری نامشروع از اطلاعات موجود در سیستم دولتی به نفع شخصی برای فعالیت‌های اقتصادی توسط کارکنان دولت؛
 ۱۳. تصرف غیر قانونی در اموال دولتی؛
 ۱۴. تقلب و تبانی در گشایش اعتبارات ارزی.
- در ادبیات علوم اجتماعی مجموعه جرایم فوق را با عنوان جرایم یقه‌سفیدان می‌نامند (حاجیانی، ۱۳۹۴: ۴۹۴)؛ زیرا اغلب این جرایم و مفاسد توسط صاحبان قدرت و ثروت به واسطه رانت اطلاعاتی و داشتن روابط نزدیک با متولیان جریان اقتصاد و درآمدهای دولت صورت می‌گیرد. تجربیات قضات و مأموران پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی در رسیدگی به پرونده‌های مفسدین اقتصادی حاکی از آن است که جرایم و مفاسد اقتصادی به تنهایی رخ نمی‌دهند و شکل‌گیری آنها مستلزم ارتکاب مجموعه‌ای از جرایم توسط مجرمان اقتصادی است. برای مثال اخذ تسهیلات غیرمجاز بانکی یا عدم ایفای تعهدات بانکی یا تصرف غیر قانونی در اموال دولتی یا تقلب در مزایده و مناقصه‌های دولتی و... که افراد حقیقی مرتکب می‌شوند مستلزم شکل‌گیری مفاسد دیگری مانند رشا، خیانت در امانت، تبانی، اهمال و... از سوی کارکنان دولتی است.

پدیده رانت و رانت‌خواری که از آن به تبعیض در توزیع منابع، امکانات و فرصت‌های ویژه‌ای که دیگران در شرایط مساوی از آن برخوردار نیستند یاد شده است از مفاسدی هستند که در شکل‌گیری مفاسد و جرایم اقتصادی نقش مهمی دارند (موسوی مجاب، ۱۳۹۷: ۹۵). پول‌شویی یکی از مصادیق نسبتاً جدید جرایم اقتصادی است که در سال‌های اخیر اهمیت ویژه‌ای در عرصه بین‌المللی یافته است. در پروسه پول‌شویی عواید نامشروع به شکلی مرموز و پیچیده وارد روابط مشروع مالی و تجاری می‌شود، به تدریج چهره واقعی اقتصاد که مبتنی بر مشروعیت و قانون‌مداری است، کم‌رنگ می‌گردد و نه فقط آثار و نتایج جرم در این فرایند هضم می‌شود، بلکه عملاً قسمتی از اقتصاد به خدمت پول‌شویان و سازمان‌های بزهدار در می‌آید و سود سرشاری عاید آنها می‌کند (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۵۶). این جرم اغلب توسط گروه‌های سازمان‌یافته و تبهکار انجام می‌شود که موفقیت در آن مستلزم طی فرایندهای پیچیده‌ای است که مجال طرح فرایند مذکور در این مقاله فراهم نیست. به اجمال باید گفت توسعه چنین جرمی ناشی از ناکارآمدی نظامات یک کشور در مقابله با آن است.

مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری مفاسد و جرایم اقتصادی یقه‌سفیدها

قطعاً عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... در ظهور و بروز مفاسد و جرایم اقتصادی مؤثرند که امکان برشماری همه آنها در این مجال مختصر نیست. محققان و صاحب‌نظران در این زمینه به عوامل مؤثر بسیاری اشاره کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پر مدعا و انحصار جو طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال طلب همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آن به استفاده از راه‌های نامشروع و غیر قانونی تشویق خواهند شد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۰). در این بیانات امتیازطلبی و زیاده‌خواهی از مؤلفه‌های مهم و از عواملی تلقی شده است که برخی افراد و گروه‌های انسانی را به راه‌های نامشروع و غیر قانونی که از آن به فساد و جرم اقتصادی یاد کردیم، می‌کشاند. برخی واقعیت‌های اجتماعی حاکی از آن است که افراد در روند زندگی روزمره فردی و اجتماعی خویش اغلب پیش از آنکه به فکر منافع و مصالح دیگران باشند، در پی دستیابی به مقاصد و منافع شخصی خود هستند؛ به ویژه افرادی که فاقد ویژگی‌های والای انسانی و اخلاقی هستند یا از این خصلت ارزشمند کم‌بهره‌اند، بیشتر از دیگران دچار این رفتار

خودبینانه خواهند بود. برخی محققان معتقدند معنای این گزاره این نیست که آنها منافع جمعی را نادیده می‌گیرند، بلکه به این معناست که آنها همواره منفعت شخصی‌شان را در اولویت قرار می‌دهند (خضری، ۱۳۹۴: ۱۲). این موضوع در مورد مدیران و کارکنان دولتی که دسترسی مستقیم به منابع پولی و مالی دولت و بیت‌المال دارند و مسئولیت مدیریت و نظارت بر فرایند تولید، نگهداشت، توزیع و مصرف منابع و سرمایه‌ها به آنها سپرده شده است، صدق می‌کند.

برخی از فعالان سیاسی و اجتماعی علل و عوامل فسادآفرین اقتصادی در کشور را ناشی از موارد متنوع و گوناگون می‌دانند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت است از: تبذیر و اسراف مسئولان، نابرابری، بی‌عدالتی، فاصله طبقاتی، عدم تطبیق درآمدها، محدود کردن راه‌های کسب درآمد حلال، عدم همکاری و هماهنگی بین قوا، نهادها و ارگان‌ها، ضعف نظام اداری، اجتماعی، اقتصادی و بی‌کفایتی حرفه‌ای، عادی شدن تخلفات جزئی، فراهم شدن زمینه فعالیت برای افراد ناصالح، ناکارآمد بودن و ضعف مدیریت نهادهای متصدی در برخورد با ناهنجاری‌ها و قانون‌شکنان، کم بودن میزان مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، حاکم نبودن قوانین شفاف، نهادینه نشدن نظارت و کنترل در همه سطوح، بهره‌نگرفتن از کارشناسان دلسوز نظام در مراکز تصمیم‌گیری مهم به خصوص اقتصادی، عدم رعایت منع کارمندان در معاملات دولتی، وجود دستگاه‌های عریض و طویل ناکارآمد، عدم کارشناسی کافی در طرح‌های مهم دولتی، اجرا نشدن قوانین، مقررات و ضوابط، دست و پاگیر بودن راه‌های قانونی، شفاف نبودن برخی مناقصه‌ها و مزایده‌ها، پرداخت‌های غیرقانونی از منابع و درآمدهای مبهم، عدم کنترل مالی و وجود حجم عظیم پول سیاه در بعضی دستگاه‌ها، به وجود آمدن شرکت‌های وابسته و شرکت‌های دولتی با هویت دوگانه، عدم عزم در وصول مطالبات معوق دولتی از سازمان‌ها، مشکلات نظام مالیاتی و گمرکی کشور، رها کردن گلوگاه‌های اصلی، بهره‌برداری از مأموران ناآشنا و آموزش‌ندیده، مشکلات نظام بانکی و پولی کشور، بروکراسی‌های پیچیده، دفاع متعصبانه و مطلق مسئولان از زیرمجموعه خود، بسته بودن اطلاعات و دسترسی نداشتن به اطلاعات واقعی، فقدان امنیت شغلی و توهم عدم امنیت، حمایت‌های حزبی، بانندی و گروهی از متخلفان، برخورد جدی نکردن با متخلف و ضعف نظام کیفری و قضایی، پایین بودن سطح معیشت و نبودن نظام تأمین اجتماعی مناسب و کارآمد (صادقی، شقاقی شهری، اصغرپور، ۱۳۹۴: ۹۷).

یکی از عوامل و بسترهای بروز مفاصد اقتصادی و جرایم یقه سفیدها، تأمین هزینه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی برخی از افراد و گروه‌هاست که قصد ورود در این میدان را دارند. به تعبیر بهتر، برخی افراد و گروه‌ها فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی را پوششی برای اقدامات مجرمانه خود قرار می‌دهند (خضری، ۱۳۹۷: ۵۸). این مسئله در جامعه ما به طور محسوس قابل تأمل و تحلیل است. ذکر مثالی در این زمینه می‌تواند به درک این واقعیت تلخ کمک کند. وقتی فردی آماده می‌شود خود را در عرصه‌ای مثل نمایندگی مجلس مطرح کند، به طور طبیعی نیاز به فرد یا مجموعه‌ای از افراد دارد تا او را برای رسیدن به این مهم یاری دهند و به تعبیر رایج در عرف انتخاباتی، صحنه‌گردان ستاد انتخاباتی او شوند و او را در پیروزی در عرصه رقابت‌های انتخاباتی کمک کار باشند. طبعاً این افراد بی‌دلیل و بدون چشم‌داشت از او وارد این فعالیت‌ها نمی‌شوند؛ بنابراین در پی دستیابی به اهدافی هستند که یک نماینده مجلس پس از به قدرت رسیدن می‌تواند آن اهداف را برآورده کند. تجربه حاصل از بررسی این فرایند حاکی از آن است که این افراد با استفاده از رانت ناشی از ارتباط نماینده مجلس با دستگاه‌های اجرایی کشور می‌توانند روند دستیابی به امتیازات مختلف را تسهیل کنند. ذکر مثالی که مصادیق بسیار زیادی دارد می‌تواند روشن‌گر این ادعا باشد. در شرایط گذشته نزدیک و فعلی اقتصاد کشور، فردی که می‌خواهد به تسهیلات بانکی ناشی از درآمدهای نفتی و... دست پیدا کند به سادگی نمی‌تواند به هدف خود برسد. او ناچار است ابتدا در قالب فعالیت‌های تولیدی و تجارت، طرحی تولیدی یا تجاری را محمل کار خود کند؛ بنابراین به واسطه رانت ناشی از ارتباط با نماینده مجلس به دستگاه‌هایی همچون سازمان صنایع و بازرگانی مراجعه می‌کند و متقاضی دریافت مجوز برای فعالیت در این عرصه می‌شود. پس از سپری کردن پروسه‌ای که در روند بروکراسی موجود در ساختار دیوانی جامعه وجود دارد، مجوزهای لازم را اخذ و باز با لابی‌های مختلف با پوشش مذکور به منابع کلان بانکی دست پیدا می‌کند و به جای آنکه در عرصه تولید و اشتغال که متأسفانه در شرایط فعلی میزان ریسک آن زیاد است، فعال شود، تسهیلات را در اموری که تنها نفع شخصی آن درخور توجه است، هدایت و به کارگیری می‌کند. یکی از آن عرصه‌ها در سال‌های اخیر بخش زمین و مسکن شهری بوده که منافع سرشاری را نصیب مفسدین اقتصادی کرده است (صبحی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۶: ۷۶).

آنچه در این زمینه نقش اساسی و کلیدی در شکل‌گیری مفاصد و جرایم کلان اقتصادی دارد ناکارآمد کردن نقش کنترلی و نظارتی افراد و دستگاه‌های ذی‌ربط است. مفسدان اغلب با آلوده

کردن افراد و گروه‌های ذی‌نفع در این زمینه مانع تحقق اهداف نظارتی و کنترلی می‌شوند و در هزینه شدن صحیح تسهیلات انحراف ایجاد می‌کنند (قاسمی روشن، ۱۳۹۵: ۸۷).

برخی اندیشمندان نیز عوامل موجد فساد اقتصادی را به دو دسته نهادی و غیر نهادی تقسیم کرده‌اند (نیومن، کلارک، شوهم و گیورا، ۲۰۱۸). عواملی مثل مشکل کارفرما- کارگزار، ناکارایی و فساد اداری، رانت‌جویی و فساد اداری، فساد سیاسی و فساد اداری و ناکارآمدی نظارت را با عنوان عوامل نهادی ... و عواملی مانند نظام انگیزشی مخدوش، کاهش سرمایه اجتماعی، حقوق و مزایای ناکافی، نزدیک‌بینی نسبی بروکرات‌ها، بیگانه بودن بروکرات‌ها با سازمان، نارسایی در فرایند ارتقا و انتصاب را با عنوان عوامل غیر نهادی به طور مفصل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

کارکردهای فساد و جرایم اقتصادی یقه‌سفیدها بر امنیت اقتصادی و امنیت ملی

بروز و ظهور جرایم و مفاسد اقتصادی در جوامع آثار انکارناپذیری در عرصه اقتصاد کشور و امنیت اقتصادی مردم دارد.

مطابق برخی رویکردهای موجود در عرصه سیاست و امنیت، هدف امنیت اقتصادی بسط مقرراتی است که سبب پویایی عوامل تولید میان اقتصادهای ملی می‌شود (رونالد، شهام و جیورا، ۲۰۱۶). بنابراین گسترش فساد و جرایم اقتصادی که ناشی از نادیده گرفتن نظامات و مقررات موضوعه در جریان پولی و مالی کشور و مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده است جریان عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد (عباس‌زادگان، ۱۳۹۶: ۳۲).

نقش دولت در کنترل فساد و برقراری امنیت اقتصادی و ملی

یکی از کارکردهای دولت، ساماندهی اوضاع اقتصادی جامعه است. مفاسد و جرایم اقتصادی تأثیر مستقیم در ناکارآمدی کردن سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصاد در عرصه فردی و اجتماعی دارد، اما در نهایت دولت با سیاست‌گذاری در راستای مهار فساد و جرم می‌تواند موجب برقراری امنیت اقتصادی شود (سردارنیا، ۱۳۹۶: ۳۳). امنیت اقتصادی عبارت است از حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی (ماندل، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

امروزه بعد اقتصادی امنیت ملی جای بعد نظامی را گرفته و به نقطه مرکزی تبدیل شده است (لطفیان، ۱۳۹۵: ۷۳). بنابراین تصور جامعه و جهانی امن بدون توجه به کارکردها و روابط اقتصادی، بیهوده و تحقق‌ناپذیر است و اساساً بعد اقتصادی، مهم‌ترین بعد تهدید امنیت ملی است (عیوضی، ۱۳۹۶: ۴۹). در مواردی، نزاع‌ها، کشمکش‌ها و حتی جنگ‌های کوچک و بزرگ با اهداف اقتصادی آغاز می‌شوند (ربیعی، ۱۳۹۳: ۱۳۹). اما فساد و جرم اقتصادی توأم موجب تهدید امنیت اقتصادی کشورها به ویژه در اقتصادهای رانتی می‌شود؛ زیرا این کشورها از یک سو دارای منابع زیرزمینی خدادادی هستند که بدون هیچ زحمتی آنان را صاحب ثروت‌های فراوان کرده و از سوی دیگر این منابع به واسطه مالکیت عمومی، در اختیار دولت و کارکنان دولتی قرار گرفته است. پدیده فساد و جرم اقتصادی ابتدا امنیت اقتصادی جوامع را متأثر می‌سازد و سپس حوزه امنیت ملی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ زیرا مفاسد و جرایم به شکل تبعیض و بی‌عدالتی فراگیر بروز می‌کنند و به از بین رفتن مشروعیت به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی امنیت ملی می‌انجامند (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۳۵). همه دولت‌ها، توزیع مزایای ارزشمند و تحمیل هزینه‌های سنگین را کنترل می‌کنند. توزیع این مزایا و هزینه‌ها معمولاً تحت کنترل مقامات دولتی است که از قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند. ممکن است برخی از افراد و شرکت‌های خصوصی مایل باشند برای بهره‌مند شدن از مزایایی خاص، پول بپردازند. این‌گونه پاداش‌ها چنانچه به طور غیرقانونی، با هدف به دست آوردن مزایای خاص با خودداری از پرداخت هزینه‌هایی به کارگزاران دولتی پرداخت شود، فساد به شمار می‌آید. از فساد مالی به سوءاستفاده از قدرت عمومی برای تأمین منافع شخصی تعبیر می‌شود. فساد می‌تواند به طرق مختلفی مانند گرفتن مجوز ساختگی برای فعالیت خاص، تبانی در پرداخت مالیات‌ها، دستکاری در امور ملکی و اسناد دولتی، ورود به مناقصات، مزایده‌ها و قراردادهای دولتی، سوءاستفاده در امر تهیه و توزیع کالاها و خدمات، استخدام و اعطای مقامات دولتی و... انجام گیرد. فساد زمانی پدیدار می‌شود که انحراف در نظام مقررات و سیاست‌گذاری، زمینه آن را فراهم آورد و نهادهای بازدارنده آن نیز ضعیف عمل کنند (رئیسی دانا، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

اقدامات پیشگیرانه جرم در حوزه اقتصادی

در حوزه اقتصادی اقدامات پیشگیرانه عبارت‌اند از: ایجاد زمینه اشتغال و کاهش بیکاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و جلوگیری از رانت‌خواری، فراهم کردن حداقل امکانات زندگی برای

همه مردم (اشرافی و یزدانی، ۱۳۹۶:۱۳۹). به این ترتیب عوامل کاهش جرم عبارت‌اند از: صنعتی شدن، توزیع عادلانه درآمد، کاهش میزان بیکاری، کاهش فقر نسبی. همچنین عوامل اقتصادی جرم شامل افزایش میزان بیکاری و نابرابری درآمدی می‌شوند. به هر ترتیب، یکی از دلایل گسترش عمومی فساد و جرم، فقر عمومی است. فقر خود دو نوع است:

۱. فقر مطلق که به معنی ناتوانی مالی برای تأمین حداقل‌های لازم در زندگی از جمله تأمین سلامت و بهداشت است.

۲. فقر نسبی؛ در این نوع فقر، حداقل‌ها برای فرد امکان‌پذیر است، اما نسبت به سایر گروه‌های درآمدی جامعه، فقیر محسوب می‌شود.

فشار فقر و ناتوانی می‌تواند به بی‌مسئولیتی و انحرافات اجتماعی بینجامد. ایجاد استقلال اقتصادی برای افراد فقیر مهم‌ترین عامل برای ریشه‌کنی و مبارزه با جرم است. فقر به طور مستقیم یا غیرمستقیم باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. بیشتر مطالعات این گزاره را تأیید می‌کنند (صادقی، شقاقی شهری، اصغرپور، ۱۳۹۶: ۶۸-۶۳).

مفاسد و جرایم اقتصادی چون همراه تبانی کارکنان دولتی صورت می‌گیرند، در چارچوب فساد اداری هم تعریف می‌شوند (دادخدایی، ۱۳۹۶: ۳۷). رویکرد اقتصاددانان به جرم از منظر تحلیل منفعت- هزینه یا بیشینه‌سازی مطلوبیت ناشی از ارتکاب جرم در کنار محدودیت‌های مختلف آن است (تی‌توس، هینزلمن و بویل، ۲۰۱۸: ۶۵).

نتیجه‌گیری

چنان که در بسیاری از تحلیل‌ها نشان داده شد، جرم پدیده‌ای است که از قبل توسط قانون‌گذار تعیین شده باشد، اما جرایم یقه‌سفیدها بیشتر در حوزه خاکستری و اخلاقی جامعه قرار گرفته است. از لحاظ ذهنی وقتی می‌گوییم یقه‌سفیدها مفهوم حاکمیت به ذهن می‌رسد، اما همیشه این‌گونه نیست و همیشه قدرت به معنای حاکمیت نیست. بخش زیادی از جرایم را بخش خصوصی با عنوان جرایم شرکتی انجام می‌دهند. ابزار جرم‌انگاری در دست قدرت است و همیشه لابی‌گری‌هایی وجود دارد که محدوده کار یقه‌سفیدها در حوزه خاکستری باقی بماند (ال بنسون و سیمپسون، ۱۳۹۷: ۷۹). درباره تعریف و تبیین چارچوب مفهومی امنیت اقتصادی توضیح داده شد. ایجاد بسترهای تأمین نیازهای رفاهی جامعه، جزو حداقل‌های انتظارات اجتماعی از کارکرد حاکمیت است. طبعاً هنگامی که دولت‌ها به دلایل گوناگون و

به ویژه به دلیل رواج مفاسد و جرایم گسترده اقتصادی و بروز اخلال در نظام تولید، توزیع و مصرف از عهده تأمین حداقل‌های مذکور بر نمی‌آیند و از پاسخگویی به مطالبات منطقی قشرهای مختلف جامعه عاجزند، فاقد امنیت اقتصادی به شمار می‌آیند و به مجموعه‌ای ناکارآمد در نظر مردم و نخبگان تبدیل می‌شوند. به هر حال حاکمان مزبور مقبولیت و مشروعیت خود را نزد آحاد مردم از دست می‌دهند؛ بدین صورت زمینه برای روی آوردن جامعه به روش‌ها و مراجعی دیگر برای تأمین خواسته‌هایشان فراهم می‌شود. در صورت توسعه و گسترش چنین وضعی جامعه سازوکارهای انسجام‌بخش خود را از دست می‌دهد و دچار بحران‌های دیگری همچون عدم مشارکت مردم و مشروعیت می‌شود؛ آنگاه امنیت ملی کشور به طور جدی دچار تزلزل می‌شود. نتیجه طبیعی توسعه چنین وضعی بی‌اعتمادی فزاینده مردم و نخبگان به توانایی و مشروعیت دولت و حاکمیت خواهد بود.

چنان که دیدیم، آثار فساد اقتصادی یقه‌سفیدان که به صورت مستقیم امنیت ملی کشور را متأثر می‌سازد شامل فروپاشی سیستم سیاسی، ناکارآمدی سیاست‌های نظام، عقب‌ماندگی کشور، پرورش سازمان‌های رعب‌آور مافیایی، ضعف حاکمیت و عملکرد آن، اخلال در اجرای قانون، هرج و مرج، بی‌ثباتی، جرم و جنایت بیشتر، فقر- محرومیت، گسترش اقتصاد زیرزمینی و کاهش سطح درآمدهای دولت، فرار سرمایه و فکر از مملکت، نامتعادل شدن کل نظام، عدم اقتدار و بروز خلأ و نبود انضباط اجتماعی که باعث بروز ظلم شود ... کاهش وفاداری و اعتماد مردم به نظام، شکنندگی نظام در برهه‌های حساس و بی‌ثباتی سیاسی، تردید در مقبولیت نظام اقتصادی و اقتصاد سیاسی کشور و در نهایت مشروعیت سیاسی نظام است.

یقه‌سفیدها یا همان مفسدان اقتصادی در درون سیستم هستند و به روش‌های مختلف در راه مبارزه با فساد سنگ‌اندازی می‌کنند؛ بر همین اساس، مبارزه با فساد کار ساده‌ای نیست. مبارزه مؤثر با جرایم یقه‌سفیدان بدون راهبرد جامع ملی، ممکن نیست یا دست‌کم به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. شناسایی نقاط آلوده یا مستعد برای ارتکاب جرایم اقتصادی، اقدامات پیشگیرانه نظیر شفاف‌سازی امور و شایسته‌سالاری، جرم‌انگاری انواع این رفتارها از عناصر اصلی این راهبرد خواهد بود. از سویی تجربه نشان می‌دهد برخورد قهری یا قضایی با جرایم یقه‌سفیدها به تنهایی کفایت نمی‌کند و این جرایم پدیده پیچیده‌ای هستند که باید قبل از هر چیز از آنها پیشگیری شود. در مرحله بعد چنانچه جرمی روی دهد، باید قوانین و اجرای آنها به گونه‌ای باشد که نه تنها مرتکبان مجازات شوند، بلکه ترتیبی فراهم آید که آثار آن نیز با روش‌های ممکن رفع شود.

در مورد واکنش‌های حقوقی باید گفت ماهیت جرایم یقه‌سفیدان طوری است که به قوانین شکلی بعد خاصی داده است. اگر چه هنوز درباره تعریف این جرایم و مصادیق آن جامعیتی وجود ندارد، ولی با تلاش حقوق‌دانان یک جمع‌بندی کلی در این زمینه وجود دارد که آن را در حقوق کیفری اقتصادی مطرح و تعریف می‌کنند. در حوزه پیشگیری از جرایم یقه‌سفیدان، تدابیر خاص وجود دارد. جرم‌شناسی اقتصادی یک جرم‌شناسی اختصاصی است؛ یعنی مطالعه یک جرم خاص و علل ارتکاب آن. در خصوص مجرمان یقه‌سفید روش‌های خاص در مورد اصلاح و جامعه‌پذیری آنها وجود دارد. به همین ترتیب در اسناد بین‌المللی مربوط به جرایم اقتصادی شاهد اختصاص مواد خاص به این جرایم از ابعاد و جنبه‌هایی همچون پیشگیری از جرم و اصلاح و بازپروری مجرمان هستیم.

یقه‌سفیدها از نظر سازگار بودن با جامعه، افرادی عادی و هم‌نوا و هم‌گام با مقررات جامعه هستند و از خلأ هنجارهای حاکم بر محیط و بستر کاری خود برای ارتکاب جرم استفاده می‌کنند. آنان با وجود داشتن امکانات فراوان و توفیق اجتماعی، زیاده‌خواه هستند و از آنجا که وسایل قانونی را در اختیار ندارند متوسل به وسایل و روش‌های غیرقانونی می‌شوند. برای پیشگیری و مبارزه با جرایم یقه‌سفیدها باید خلأ موجود را رفع و جامعه را برای ممانعت از ایجاد بستر مناسب جهت ارتکاب این جرایم آماده کرد. با این وصف پیشنهاد می‌شود:

- قوه مقننه قوانین مناسب را براساس وظایف ذاتی خود وضع کند.
- قوه مجریه گزارش مالی، منابع درآمدی و هزینه‌های بودجه سالیانه را منتشر کند و در دسترس عموم قرار دهد.
- قوه قضاییه تعداد پرونده‌های رسیدگی‌شده به جرایم اقتصادی و مالی را به تفکیک در اختیار رسانه‌ها قرار دهد و همچنین بررسی کند که آیا اقدامات پیشگیرانه مؤثر بوده است یا برخوردهای قضایی و قهری؟
- قوه قضاییه فساد اقتصادی خرد و کلان را تعریف و مصادیق آن را به دقت احصا کند.
- از تجربه قضات، استادان دانشگاه و افسران و کارشناسان از طریق برگزاری میزگردهای علمی و تخصصی و نقادی مثبت و منفی بهره‌برداری شود.
- اجرای صحیح قوانین و قانون‌مداری، اصولی‌ترین روش مبارزه با مفاسد اقتصادی است؛ بنابراین باید ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده یک جامعه درونی شود؛ به عبارت دیگر تقوا و وجدان کاری و غیرکاری در سطح خرد و کلان تقویت شود.

- دست‌اندرکاران ارائه خدمات اقتصادی باید پاک‌دست باشند و با هیچ تطمیع و رابطه‌ای از مسیر قانونی خارج نشوند.
 - دستگاه‌های نظارتی باید از آلودگی کارکنان جلوگیری و سلامت آنان را تضمین کنند و آلودگی کارکنان را کشف و با آن برخورد کنند. بر این اساس باید اختیارات و حمایت از مجموعه‌های نظارتی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی افزایش یابد.
 - تسهیل خرید و فروش کالا و خدمات از طریق رفع ایرادات قوانین مربوط به معاملات؛
 - راه‌اندازی کانال اطلاع‌رسانی (مانند یک وبگاه اینترنتی) در رابطه با اطلاعات وام‌های پرداختی و وام‌گیرنده‌ها، برگزاری مناقصه یا مزایده و...؛
 - بر تحقق برنامه‌های ملی بسترساز پیشگیری از فساد تمرکز شود.
- در نهایت از آنچه بیان کردیم، می‌توانیم این‌گونه نتیجه‌گیری کنیم:
- تضعیف امنیت اقتصادی که از مظاهر ناکارآمدی دولت و حاکمیت است آثار زیان‌باری بر مقبولیت و مشروعیت آنها دارد و امنیت ملی کشور را به مخاطره می‌اندازد؛ بنابراین توجه مستمر به جریان‌های مالی و پولی جامعه از وظایف مهم مدیران عالی کشور است.

منابع فارسی

- ال بنسون، مایکل و سالی اس. سیمپسون (۱۳۹۷)، جرایم یقه‌سفیدی: رویکردی فرصت‌مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، تهران: نشر نی.
- اشرافی، محمود و محمدحسین یزدانی (۱۳۹۶)، «پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، گروه اجتماعی، ش ۱، تابستان.
- بابایی، علی (۱۳۹۶)، مفهوم‌شناسی امنیت، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۸۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، ال ویور، و پاپ دو ویلد (۱۳۹۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، چ ۲، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران (۱۳۹۷)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چ ۳، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۴)، «جرایم سازمان‌یافته، مفهوم، مدل‌ها و تأثیرات آن بر ثبات سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۸، ش ۳.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰)، «پیام هشت ماده‌ای در مورد مبارزه با مفاسد اقتصادی»، دفتر مقام معظم رهبری.
- خضری، محمد (۱۳۹۴)، «تحلیل نهادی فساد اداری»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۸، ش ۳.
- خضری، محمد (۱۳۹۷)، «بررسی علل ایجاد و گسترش فساد در نظام بانکی کشور»، گزارش پژوهشی، ش ۶۶-۲-۱-۲-۱۳۹۷، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خلیلیان، محمدجمال (۱۳۹۴)، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- دادخدایی، لیلا (۱۳۹۶)، «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن»، مجله تعالی حقوق، س ۲، ش ۶، مرداد و شهریور.
- دقیقی، علیرضا سریرافراز، سمیه سادات مکیان و فاطمه فهیمی فر (۱۳۹۶)، «رویکردی میان‌رشته‌ای به پیشگیری از وقوع جرم (رهیافت اقتصادی- روان‌شناسی)»، فصلنامه نظم و امنیت، س ۲، ش اول، بهار.

- دوگان، متی (۱۳۹۷)، «دیدگاه‌های مختلف نسبت به مسئله مشروعیت»، در کتاب گزیده مقالات سیاسی امنیتی، ج ۲، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ربیعی، علی (۱۳۹۳)، مطالعات امنیت ملی مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ربیعی، علی (۱۳۹۵)، زنده باد فساد، جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم، چ ۵، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رز آکرمن، سوزان (۱۳۹۴)، فساد و دولت: علت‌ها، پیامدها و اصلاح، ترجمه علی صبوری، تهران: نشر شیرازه.
- ره پیک، حسن (۱۳۹۵)، ابعاد و مظاهر تهدیدات امنیت ملی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۹۳)، عوامل ایجاد فساد اداری - مالی در ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- سردارنیا، خلیل الله (۱۳۹۶)، «تبیین ساختار گرای سیاسی - اقتصادی از فساد اقتصادی در ایران (پهلوی دوم ۱۳۴۲-۵۷)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، س ۲، ش ۱.
- سیگل، لاری جی. (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی، ترجمه یاشار سیفالهی، تهران: انتشارات دفتر تحقیقات پلیس آگاهی ناجا.
- شاپیرو، سوزان (۱۳۹۶)، «جرم یقه سفید، نه مجرم یقه سفید»، ترجمه امیر حمزه زینالی، دوره جدید، مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۱.
- شفیعی خورشیدی، علی اصغر (۱۳۹۶)، «فساد اقتصادی و روش‌های پیشگیری از آن»، نشریه الکترونیکی مرکز مطالعات توسعه قضایی.
- صادقی، حسین، وحید شقاقی شهری و حسین اصغر پور (۱۳۹۶)، «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره بهار.
- صباحی، احمد و سعید ملک‌الساداتی (۱۳۹۶)، «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۳۵، زمستان.
- عالی پور، حسن (۱۳۹۵)، «پول‌شویی، تهدیدی علیه امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۹، تابستان.

- عباس‌زادگان، سید محمد (۱۳۹۶)، فساد اداری، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عسگری، محمود (۱۳۹۳)، «درآمدی بر اقتصاد سیاسی- امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۷، ش اول.
- ع شماوی، سعدالدین محمد (۱۳۹۳)، مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه محمدرضا نصرالهی و سید عیسی حسینی، انتشارات کارآگاه وابسته به پلیس آگاهی ناجا.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۶)، «امنیت جمهوری اسلامی ایران در فرایند جهانی شدن»، ماهنامه نگرش راهبردی، ش ۷۹ و ۸۰.
- قاسمی روشن، ابراهیم (۱۳۹۵)، «عوامل اجتماعی و جرم»، مجله معرفت، ش ۶۳، مهر و آبان.
- قوچانی، محمد (۱۳۹۶)، جرایم یقه‌سفیدها، تهران: آگاه.
- لطفیان، سعیده (۱۳۹۶)، «پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی - سیاسی در کشورهای در حال توسعه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱۷، بهار.
- ماندل، رابرت (۱۳۹۵)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۲، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمودی، وحید (۱۳۹۳)، «فساد اقتصادی و توسعه»، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۱۸۹ و ۱۹۰، خرداد و تیر.
- موسوی مجاب، سید فرید (۱۳۹۷)، «بزهکاران یقه‌سفید»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، ش ۳، دانشگاه تربیت مدرس.
- نوروزی، محمدتقی (۱۳۹۷)، فرهنگ دفاعی- امنیتی، تهران: انتشارات سنا.
- ولد، جرج و جفری اسنیپس (۱۳۹۶)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
- هیوود، پل (۱۳۹۱)، فساد سیاسی، ترجمه محمد طاهری و میرقاسم بنی‌هاشمی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع انگلیسی

-Azfar ,omar ,Lee Young and Anand Swamy” ,(2017) The Causes Consequences of Corruption ,Research ,“**White Paper**, No.1, January, In: www. Charney Research.com.

-Braithwaite ,J ,(2018) .**Poverty ,Power and White-collar Crime: Sutherland and the Paradoxes of Criminological Theory**, London: Routledge & Paul Kegan.

-Chance ,Alex” ,(2018) Corruption and Crime , “in :Transparency Corruption Report ,2018 Berlin ,Germany.

-Clarke ,R ,and J .Eck” ,(2018) Crime Analysis for Problem-Solvers ,“In60 **Small Steps**, Washington, D.C.: U.S. Department of Justice, Office of Community Oriented Policing Services.

- Graeme, Clarke, Ronald V. and Shoham, S. Giora (2018), **Rational Choice and Situational Crime Prevention: Theoretical Foundations**, New York, Routledge.

-Matthews, Roger(2018),**Rational Choice, Routine Activities and Situational Crime Prevention, Realist Criminology**, Boston: Northeastern University Press.

- Nduku, Elizabeth and Tenamwenye,(2018), “Corruption in Africa: A Threat to Justice and Sustainable Peace, December 2018”, In:www.Globethics.net. - The Costs of Corruption in Vietnam from a Macro ,Provincial and Firm Perspective, Edited Report :August ,2018 P .6.In :www.Coffey.com.

-Newman ,Graeme and Marongiu ,Pietro” ,(2016) Situational Crime Prevention and the Utilitarian Theories of Jeremy Bentham ,“in **Newman**, New York: Oxford University Press.

- Odum, Howard (2018), American Sociology Edwin H. Satherland, [http: // www .brocku. Ca/ mead project / inventory 5](http://www.brocku.ca/mead/project/inventory).

- Pease, Ken (2016), “Predicting the Future: The Roles of Routine Activity and Rational Choice Theory”, in Newman, Graeme, Clarke, Ronald V. and Shoham, S. Giora, **Rational Choice and Situational Crime Prevention: Theoretical Foundations**, New York: Routledge.

- Reiss, A. J. Jr. and Biderman, A. (2017), Data Sources on White-collar Lawbreaking, Washington, DC: U.S. Government Printing Office. crime: Populist and patrician perspectives.” **Journal of Criminal Justice Education** 19: 155–174.
- Runde ,Danial F ,(2016).The Costs of Corruption :Strategies for Ending a Tax on Private-Sector-Led Growth, Center for Strategic and International Studies .In :www.CSIS.org.
- Schrager ,Laura Shill and James F.Short ,Jr ,(2017) .**Toward a Sociology of Organiza-tional Crime ,Social Problems**, New York: St.Martin’s Press.
- Shapiro ,Susan P ,(2016) .**Thinking about White Collar Crime :Matters of Conceptual -ization and Research**, Washington, D.C: U.S. Government Printing Office.
- Shover, N. and Cullen, F. T. (2018), “Studying and Teaching White-collar Crime: Populist and Patrician Perspectives,” **Journal of Criminal JusticeEducation** 19: 105–134.
- Shover, N. Fox, G. & Mills, M. (2018), Long-term Consequences of Siegel, L. Criminology. 9th ed. Belmont, CA: Thomson Wadsworth.
- Simpson, Sally’S and David Weisburd (2018), **The Criminology of White –Collar**, New York, Springer +Business Media, LLc.
- Slapper, G. and Tombs, S. (2018), **Corporate Crime**, London: Addison.
- Sutton, A. and Wild, R. (2018), “Small Business: White-collar Villains or Victims?”, **International Journal of the Sociology of Law** 13: 247–259.
- Titus, R. M. Heinzelman, F. and Boyle, J M.(2018), “Victimization of Persons by Fraud,” **Crime and Delinquency** 41: 54–72.